

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

سوم سپتمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

## دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۱۳۷

مُقَطَّعات

۳۸

### شکایت از قرضداری<sup>۱</sup>

آصف روزگارِ صاحبِ عهد آن، که جودش صلا<sup>۲</sup>ی عام دهد  
آن، که حیل‌المتین اقبالش چرخ را راه اعتصام دهد  
وان، که طومار رسم و بخشش را خامه جودش<sup>۳</sup> اختتام دهد  
قلم بیقرار او به مسیر جنبش فتنه را، قوام دهد  
کف رادش، که آزر ابرقی است به عطا<sup>۴</sup> مالش<sup>۵</sup> غمام دهد

<sup>۱</sup> - عنوان را مصحح از متن استخراج کرده است

<sup>۲</sup> الف. صلاح عام

<sup>۳</sup> الف. نامه جودش

<sup>۴</sup> "مالش" کلمه دری و مراد از "گوشمالی" ست

<sup>۵</sup> "غمام": به فتح اول، کلمه عربی و در معنای "ابر"

کرمش رونق بهار بَرَد  
توسن چرخ، با همه تندى  
خنجر فکرتش ز بس حدّت  
که ورا گرچه رسم داعى نيست  
شيوه ناخوش تقاضا را  
ليک آنقدر قرض کرده آرهى  
گرچه ضامن شده ست، همت تو  
ليک از آن، جمله قلتبانى ست  
قلتبانى، که همچو باد خُنک  
چشم را، وحشت از لقا بخشد  
وز ره پختگيش، چاکر من  
صبح گوید برو، که چاشت رسد  
الغرض هست چشم، که امروز  
به صله، گر کرم نفرماید

سخنش زينت کلام دهد  
به کمين چاکرش زمام دهد  
نقطه را چون خط، انقسام دهد  
گرچه در بزم مدح جام دهد  
از پى مدح، ارتسام دهد  
که نداند کزان کدام دهد  
که قروض مرا، تمام دهد  
که مرا درد سر، مُدام دهد  
عاقبت گيرد و زکام دهد  
گوش را، زحمت از سلام دهد  
هر زمان وعده‌هاى خام دهد  
چاشت گوید، بمان که شام دهد  
لطف اين کار را، نظام دهد  
چند تومان، به رسم وام دهد

\* \* \*

<sup>۶</sup> "رهى" يعنى "غلام" و "نوکر" و درينجا مراد از خود شاعر است